

استقلال قوه قضاییه در نظام حقوقی عراق و ایران

شماره ۴۷،

دوره ۷،

سال پنجم،

زمستان ۱۴۰۱،

صص ۱-۲۳

وطن صادق محمد محمد^۱

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی جایگاه استقلال قوه قضاییه در نظام حقوقی ایران و عراق می باشد. یکی از سازوکارهای مهم تحقق دادرسی عادلانه و حکومت قانون، استقلال قوه قضاییه است. استقلال قوه قضاییه، به معنای عدم تأثیرپذیری قوه و به ویژه قاضی از عوامل غیرحقوقی و منع مداخله صاحبان قدرت و ثروت در فرآیند رسیدگی است. از آنجا که رعایت این اصل پیش شرط اجرای عدالت، حفاظت از حقوق شهروندان و تأمین آزادیهای مشروع آنان دانسته شده، رعایت آن مورد اجماع تمام نظامهای حقوقی بوده من جمله نظام حقوقی عراق و ایران، هرچند سازوکارهای تضمین متفاوتی بکار گرفته شده است. در نظام حقوقی عراق و ایران، استقلال قوه قضاییه در قانون اساسی پیش بینی شده و این قانون استقلال این قوه را تضمین نموده است. تحقق استقلال قوه قضاییه، از یکسو مستلزم تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه و از سوی دیگر ایجاد سازوکارهایی برای تضمین استقلال فردی قضات است. یافته های تحقیق نشان از آن دارد که، هرچند در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه استقلال قضایی مدنظر قانونگذار بوده است، اما نظام حقوقی ایران، استقلال ساختاری قوه قضاییه را به نحو مطمئن تری در مقایسه با حقوق عراق مورد تضمین قرار داده است.

کلمات کلیدی: استقلال، قوه قضاییه، تفکیک قوا، ایران، عراق.

^۱ کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران

۱-مقدمه

حق بر دادرسی عادلانه از اساسیترین حقوق بشری^۱ به شمار میرود که در دادرسی های جزایی به وسیله چند حق عینی شناخته میشود مثل حق بر بی گناه فرض شدن متهم حق بر دفاع توسط خود فرد یا وکیل، حق بر دادرسی بدون تأخیر و حق بر حمایت در مقابل عطف به ماسبق شدن قوانین جزایی، اما رعایت چنین تضمین هایی در همه پروندهها و شرایط دادرسی عادلانه را تضمین نمی کند.

حق بر دادرسی عادلانه وسیعتر از مجموعه تضمینات فردی است و به رفتار و عمل تشکیلات دادرسی و دادگاه نیز بستگی دارد. به همین دلیل اصل استقلال و بیطرفی در دادرسی یکی از اصول مهم تضمین حق بر دادرسی عادلانه است. لذا این اصل در همه نظامهای حقوقی جا افتاده و در همه اسناد مهم منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است (کسسه، ۱۳۸۷، ۱۱۵).

قضا حکم بین مردم است جهت رفع تنازع بین آنان، با شرایطی که می آید و منصب قضاوت از مناسب جلیل های است که از طرف خدای متعال، برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و از طرف او برای ائمه معصومین (علیهم السلام) و از طرف آنان برای فقیه جامع الشرایطی که می آید ثابت است. و مخفی نماند که قضاوت شأن بزرگی دارد و تحقیقات وارد شده است که: «قاضی به درستی در پرتگاه جهنم قرار گرفته است» و از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمود: «ای شریح جایگاهی نشستهای که فقط پیغمبر یا وصی پیغمبر یا شقی در آنجا می نشیند» (کلینی، ۱۴۱۵، ه، ج ۱: ۴۵۱).

استقلال قضات^۲ و دستگاه قضایی و تضمین اجرای دادرسی بیطرف، عادلانه و مستقل همواره از نگرانیهای حقوقدانان و اندیشمندان جوامع متمدن بوده است. تساوی اصحاب دعوی در برابر دادگاه و استقلال و بیطرفی قضاوت دادگاه ها نیز یکی از آرمانهای بشریت در طول تاریخ بوده است. استقلال قضایی در تئوری تفکیک قوا نهفته است که یکی از بحثهای اساسی هر نظام حقوقی است. استقلال قضایی انواع مختلفی دارد و عواملی هم وجود دارد که استقلال قضایی را تأمین و تضمین می نمایند و ضمانتهای اجرایی مختلفی دارد و موضوع استقلال قضا در اسلام از اهمیت برخوردار است که تمرد و سرپیچی از آن، گاهی به فاسق شدن و گاهی به ظالم شدن و گاهی هم به کافر شدن، توصیف شده است، و دستگاه قضایی استقلال نهادی لازم دارد تا قادر به انجام وظایف خود به دور از نفوذ حکومت یا دیگر عاملان دولت باشد. جنبه اساسی استقلال نهادی تأمین و تضمین بودجه کافی برای این قوه جهت نیل به اهداف عالیه نظم و امنیت و عدالت است. استقلال قضایی به عنوان اصل تبعی نظریه تفکیک قوا^۳ لازمه و پیامد منطقی این اصل است.

^۱- human rights

^۲- fair judgement

^۳- Independence of judges

^۴- separation of powers

استقلال قضایی از مسائل بنیادین حقوق عمومی^۱ می باشد؛ زیرا که اعتماد عمومی به حکومت، تحقق حکومت قانون و دادرسی عادلانه در هر جامعه تا حدود زیادی وابسته به میزان استقلال قضایی است. نهادینه شدن جریان مردمی و حکومت مردم سالار به تثبیت و ترویج حاکمیت قانون و قانونگرایی ارتباط دارد و از جهت دیگر در جهت تثبیت فرایند فرهنگ قانونگرایی استقلال قضایی از پیش فرضهای مهم این امر به شمار میرود. به بیان دیگر حکومت مردم سالار^۲ با مفهوم استقلال قضایی و توانایی دادگاهها در جلوگیری از سوء استفاده از نفس قدرت و نقض حقوق و آزادیهای بنیادین مردم پیوندی ناگسستنی دارد (امیری و ویژه ۱۳۹۳: ۳۹).

با فقدان جریان استقلال قضایی، حتی در صورت وجود تمام شرایط حق بر دادرسی منصفانه، متصور می باشد که دادگستری بازیچه‌ای بیش نزد حاکمان و قدرتمندان نخواهد بود. اولین شرط رسیدن به دادرسی منصفانه وجود سیستم قضایی مستقل و کارآمد است تا امور قضایی نظم یابد و مردم انتظار شکل گیری همه جانبه دادرسی منصفانه در تمام ابعاد آن را داشته باشند. اهمیت این موضوع به اندازه‌های است که برخی تمام جوانب دسترسی به دادرسی منصفانه و عادلانه را در برابر دادگاه مستقل و بی طرف معنا می کنند (پروین، ۱۳۹۵، ۳۳۵).

اهداف و نوآوری تحقیق

هدف تحقیق حاضر، نگاهی تطبیقی به اصل استقلال قوه قضائیه در نظام حقوقی عراق و ایران می باشد. بر همین اساس ابتدا بایستی مفهوم تفکیک قوا و دیدگاه هر دو نظام حقوقی در این خصوص مشخص گردد تا بتوان به این اصل پرداخت. با نگاهی به پیشینه و سوابق تحقیقهای انجام شده در حوزه اصل استقلال قوه قضائیه مشخص میشود که در بسیاری از آنها، تنها نگاهی یکسویه به موضوع وجود داشته و تمرکز اصلی بر این بوده که اصل تفکیک قوا در دو نظام حقوقی چگونه بوده است. البته بایستی گفت هیچ اشاره‌ای به اصل استقلال قوه قضائیه نشده و به نظر میرسد که این ایراد وارد بر آنهاست. لذا جنبه نوآوری تحقیق حاضر را باید در همین امر جستجو نمود که تنها به اصل تفکیک قوا نپرداخته و در کنار مسئله تفکیک قوا، اصل استقلال قوه قضائیه پرداخته است.

پیشینه تحقیق

میرزاده کوهشاهی و قاضی زاده (۱۳۹۹) در پژوهش «تحلیل انتقادی عملکرد نظام حقوقی ایران در زمینه مفهوم استقلال قضایی» بیان نمودند، دادرسی منصفانه که در زمره حقوق بشر به شمار میرود به عنوان یکی از عناصر تحقق عدالت قضایی، خود دارای مولفه‌هایی است که استقلال قضایی بنیادینترین این مولفه‌ها به شمار می رود. استقلال قضایی جهت تحقق کامل، هم نیازمند استقلال نهادی قوه قضائیه است و هم بایستی تأمین کننده استقلال در رأی برای شخص قاضی باشد. پرسش اساسی مربوط به چگونگی رویکرد نظام حقوقی ایران در خصوص مفهوم استقلال قضایی و شیوه اصلاح آن است. رویکرد متخذه پیرامون استقلال قضایی در کشور ما علیرغم وجود نکات قوت بسیار، مصون از کاستیها نبوده و موارد متعددی از جمله برخی موانع قانونی و برخی موانع عملی سد راه شکل گیری استقلال قضات و دستگاه قضایی مستقل

^۱- public rights

^۲- Democratic government

میگردد. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانهای، به دنبال بیان مشکلات موجود از جمله عدم استقلال مالی قوه قضاییه، عدم توجه به وضعیت اجتماعی، مالی و معیشتی قضات و کارآموزان قضایی، آزمایشی بودن استخدام قضات در بدو خدمت، عدم ذکر موارد صلاحیت قاضی در قوانین عادی و ارجاع امر تشخیص صلاحیت قضایی به کمیسیون فاقد اولویت نسبت به قاضی و ارائه راهکارهای پیشنهادی همانند اعطاء استقلال مالی به قوه قضاییه، اتخاذ رویکردهای عملی در راستای ارتقاء وضعیت اجتماعی و مالی قضات و اصلاح قوانین موجود مربوط به تشخیص صلاحیت قاضی جهت هموار نمودن مسیر تحقق استقلال قضایی است.

مرادی و قیوم زاده (۱۳۹۸) در مقاله «مطالعه نقش استقلال قوه قضائیه در جرم زدایی از قوانین» عنوان داشتند که، یکی از اصولی که نقش اساسی در اجرای صحیح عدالت دارد، اصل استقلال قضایی است. استقلال قضایی در اصطلاح عبارت است از اینکه، دادرسان در صدور رأی، تنها قانون و وجدان را حاکم بر اعمال خود قرار دهند و توجهی به دستورها، نظرها و خواسته های دیگران نداشته باشند. در این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانهای به جمع آوری اطلاعات لازم جهت مطالعه نقش استقلال قوه قضائیه در جرم زدایی از قوانین مبادرت شده است. نتایج تحقیق نشان داد: یکی از سیاستهای امروز قوه قضاییه جرمزدایی و زندان زدایی است. قوه قضاییه و معاونت حقوقی دستگاه قضا تلاش کرده تا شیوه ها و روشهای جرم زدایی را در تدوین قوانین به کار ببندد و سیاستهای ابلاغی را در معاونت پیشگیری در شکل برنامه ها و لوایح قضایی مد نظر قرار دهد.

یآوری و تنگستانی (۱۳۹۵) در مقاله «نظام پاسخگویی قوه قضاییه و نسبت آن با استقلال این قوه» بیان داشتند که، متناظر با تاکید بر تقویت راهکارهای تأمین استقلال قضات و افزایش درخواستها برای کسب استقلال نهادی دستگاه قضایی از قوه مجریه، بر ضرورت و اهمیت پاسخگویی قضایی (اعم از قضات و نهاد قضایی) در انجام وظایف محوله و مدیریت امور قضایی تاکید شده است. پاسخگویی قوهقضاییه به عنوان یک نهاد، ناظر بر بدنه مدیریتی این قوه و مربوط به عملکرد مدیران قوه مزبور در اداره آن و اجرای قوانین و مقررات مربوط است. قوه قضاییه در اینجا به مثابه سازمانی نگریسته میشود که با برخورداری از بخشی از منابع مادی و انسانی کشور، همانند سایر سازمانها، مؤسسات و نهادهای دولتی مسئولیت ارائه خدمات عمومی مشخصی را بر عهده داشته و بدین طریق بخشی از مسئولیتهای دولت را ایفا میکند.

الاسدی و چپاد عباس (۲۰۲۰) در مقاله «اصل اساسی استقلال در قوه قضائیه» بیان داشتند که، اصل خودمختاری را میتوان اساس و نور درخشان قوه قضائیه دانست، همچنین مراد از این اصطلاح این است که قضات مستقل هستند و در احکام آنها هیچ اختیاری جز قانون وجود ندارد و هیچ طرفی اجازه دخالت ندارد. در هر حال، بنابراین قضات در همه سطوح موظفند عدالت را با انصاف کامل رعایت کنند. در اصل این مفهوم ناشی از یک اصل اساسی زیربنای عدالت است که اساس قانون است، بنابراین این هدف اساسی است.

خضیر الخفاجی و عبدالحسین (۲۰۲۰)، در مقاله «نقض اختیارات اجرایی در استقلال قوه قضائیه قانون اساسی» مطالعه تطبیقی)، عنوان کردند که، قوه مجریه به دلیل توسعه کارکرد و اعطای اختیارات گستردهای که باعث تسلط بر زمام امور دولت شده و جدیت نقش یکی از مهمترین و قدرتمندترین مقامات عمومی در نظامهای مختلف سیاسی است. این اقتدار

به طور قابل توجهی بر عملکرد سایر مراجع تأثیر گذاشته است. این تأثیر تنها به قوه مقننه ختم نشد، بلکه به قوه قضائیه به ویژه قوه قضائیه قانون اساسی نیز تسری یافت.

آیدان و صابر (۲۰۱۹)، در مقاله «نقش دیوان عالی فدرال در حفظ استقلال قوه قضائیه موستال» اشاره کردند که، در صورتی که چنین سازمانی استقلال قوه قضائیه را خدشه دار کند، حق دعوا و عدم مداخله در تشکیلات قوه قضائیه تضمین می شود. دیوان عالی فدرال در این زمینه با صدور حکم به قوانین مغایر با قانون اساسی حاکم بر قوه قضائیه در صورتی که این سازمان مغایر با اصل استقلال باشد، نقش مهمی را ایفا می کند، همچنین برای حفظ حق دعوا از طریق مقررات خود، مقرراتی را که قوه قضائیه را از انجام آن منع می کند، مغایر با قانون اساسی دانسته است. رسیدگی به برخی اختلافات یا اعطا در صلاحیت آن در صلاحیت سایر مراجع غیرقضایی است.

روش تحقیق

روش تحقیق، تحلیلی- توصیفی است و بر حسب نوع روش تحقیق که در این ارتباط، از منابع کتابخانه ای و اسنادی بهره گرفته شده است. عمده منابع مورد استفاده، کتب و مقالات داخلی و عراقی، وب سایتهای اینترنتی علمی معتبر داخلی و عربی، جزوات آموزشی و نیز تمام اسنادی که مرتبط با موضوع قوانین مدنی نسبت به آنچه در کشورهای ایران و عراق بوده و ما را در اهداف مورد نظر یاری کند، به صورت فیش برداری و ارجاع به منابع مورد نظر، مورد استفاده قرار گرفته اند.

مفهوم شناسی

۱- قضا

مدار هستی بر نظم و عدالت استوار است. از کوچکترین ذره تا عظیمترین کهکشانها و هرآنچه بر می خیزد آوای نظم و عدالت است. اما عدالت^۱ و نظم در جوامع بشری حکایت دیگری دارد. بنابراین اجرای عدالت و اجبار به رعایت قانون امری اجتناب ناپذیر است و بهترین و شایستهترین افراد باید این امر مهم را به عهده داشته باشند. در نگاه اسلام همان اندازه که نظم و عدل جایگاه ویژه‌ای دارد مجریان عدالت نیز باید از شایسته ترین افراد برگزیده شوند. مبنأ و منشأ انتخاب قاضی مع الواسطه از جانب خداوند است، چون خداوند بهترین عادل است لذا مجریان عدالت نیز باید منصوب او باشند. در نتیجه ولی فقیه که خود جانشین معصوم بوده و مقامی الهی دارد قاضی القضاات را نصب میکند و اذن نصب قضاات دیگر را به او می دهد (حبیبیان، ۱۳۹۰، ۴۱).

۲- قاضی

قاضی به معنای حکم کننده است، یعنی کسی که میان مردم حکومت میکند و در مورد اختلافات و نزاع فصل خصومت میکند و به واسطه فیصله دادن و اینکه امر را تمام میکند، او را قاضی مینامند. در لغت قضاء در معانی مختلفی استعمال شده است از جمله: تمام کردن: در آیه ۲۸ «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ.....»، خلق کردن: در آیه ۱۳۴ «فَقَضِيَهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ۴۲۶).

^۱- justice

قاضی در اصطلاح فقه، کسی است که میان مردم حکومت کند و در مورد اختلاف و نزاع، فصلخصومت نماید». پس معنای اصطلاحی و لغوی قاضی یکی است و فرقی با هم ندارند. قضاوت شرعاً ولایت حکم برای واجدین شرایط فتوی در جزئیات قوانین شرعی است که به وسیله آن حقوق مستحقین اثبات و استیفا میشود. این معنا از قضاوت، به معنای لغوی آن نزدیک است. زیرا قاضی با حکم، در حقیقت دعوا را فیصله می دهد (حسین آبادی و غفوری نژاد، ۱۳۹۱، ۱۰۴).

3- استقلال قضایی

استقلال در لغت به معنای عدم وابستگی تحت نفوذ چیزی یا جایی، نبودن ضابط امر خویش بودن و به خودی خود به کاری بر ایستادن بدون شرکت دیگری می باشد و در واقع به معنای «آزادی از تأثیر، فارغ از تأثیر و تحت کنترل دیگری نبودن است (کولین، ۲۰۱۴، ۱۵۲).

استقلال قضایی به این اشاره دارد که قضات، نویسندگان تصمیم های خودشان هستند و این که آنها باید آزاد از هر تأثیر نامناسبی باشند. البته در مقررات بین المللی حقوق بشر مربوط به دادرسی عادلانه و نیز در مقررات دادگاههای کیفری بین المللی که استقلال و بیطرفی دادگاه با قضات شرط، شده واژه استقلال به طور صریح تعریف نشده است (فضائی، ۱۳۸۷، ۱۸۰).

در نظام حقوقی عراق، استقلال قوه قضائیه در فلسفه حقوق به معنای خاص است و به معنای مستقل بودن قوه قضائیه از سایر مراجع دولت در نظریه تفکیک قوا است. همانطور که سایر نظریه ها توجیهی برای استقلال قوه قضائیه نمی بینند، به ویژه آن دسته از نظریه هایی که اختیارات را در یک شخص یا یک حزب ترکیب می کند. با وجود این، اندیشه و فلسفه بشری در طول تاریخ نمونه هایی از این اصل را یافته است.

ابعاد استقلال قوه قضائیه

استقلال قوه قضائیه نه تنها باید در محاکمه های کیفری مورد تأکید قرار گیرد، بلکه رسیدگی های حقوقی نیز باید تحت نفوذ این اصل واقع شود که خود این امر، قابل تقسیم به استقلال نهادی و فردی است استقلال فردی به دنبال تعیین حدود استقلال برای شخص قاضی است؛ در حالی که استقلال نهادی در پی تأمین استقلال دستگاه قضایی به عنوان قوه ای مستقل از قوای مقتنه و مجریه است. در تعیین استقلال مورد نظر می توان به اصول بنیادین مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل متحد پیرامون منع جرم و رفتار با متخلفان در سال ۱۹۸۵ اشاره کرد که خود می تواند راهنمای قانونگذاران و مسئولان قضایی و اجرایی قرار گیرد (میرزاده کوهشاهی و همکاران ۱۳۹۹: ۲۷۰).

۱- استقلال ساختاری قوه قضائیه

نخستین سازوکار تضمین استقلال قوه قضائیه، تضمین استقلال ساختاری نهاد قضایی است. استقلال ساختاری قوه قضائیه از دو جنبه استقلال درون سازمانی و استقلال برون سازمانی قابل بررسی است. منظور از استقلال درون سازمانی نفی سلسله مراتب اداری در درون قوه قضائیه و منظور از استقلال برون سازمانی استقلال و تفکیک کار کرد دستگاه قضایی در برابر سایر قوای حکومتی است که با رعایت اصل تفکیک قوا محقق می گردد (امیری و ویژه، ۱۳۹۳، ۵).

۲- استقلال فردی قضات

قضات به طور فردی و در اجرای وظایف حرفه‌ای‌شان باید استقلال داشته باشند. این استقلال بدین معنی است که آنها حق و وظیفه دارند براساس قانون و فارغ از هراس یا تلافی با انتقادهای شخصی در مورد پرونده‌ها تصمیم گیری کنند. این وضعیت حتی در مواردی که قاضی باید در مورد پرونده‌های حساس و مشکل رأی صادر کند، صادق است (نوری نشاط و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۶).

مبانی استقلال قوه قضائیه

عواملی وجود دارند که موجب شده‌اند اصل استقلال قوه قضائیه که همان استقلال دستگاه قضایی و استقلال قاضی مورد توجه و التفات زیادی قرار بگیرد و به عنوان یک اصل مطرح گردد. عواملی همچون:

۱- تأمین عدالت

عدالت واژه‌ای است که کاربردهای متنوع در حوزه حقوق، فقه، اخلاق، کلام، اقتصاد، سیاست و سایر حوزه‌ها دارد. یکی از قدیمی‌ترین مفاهیمی که بشر همواره با آن روبرو بوده است و برای استقرار آن تلاش کرده است عدالت است. مسئله اساسی این است که آیا می‌توان میان این کاربردهای بسیار متنوع، معنایی مشترک یافت به گونه‌ای که در مواردی عدالت کاربرد واحدی داشته باشد. گستردگی دامنه کاربرد عدالت، صاحب‌نظران را به این فکر وا داشته است که به کمک تقسم‌بندی بر این پراکندگی غلبه کرده و مباحث را در ذیل مقوله‌های محدودتری اعمال کنند (ربانی، ۱۴۰۰: ۲۰).

۲- تأمین نظم عمومی

تأمین نظم عمومی در هر جامعه‌ای امری ضروری می‌باشد و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون تأمین نظم عمومی و امنیت، سالم بماند زیرا اگر نظم عمومی مختل گردد علاوه بر این که حکومت‌ها از آن صدمه شدیدی خواهند دید، حقوق خصوصی افراد نیز پایمال خواهد شد. به دلیل وجود ظلم در میان بشر، تأمین نظم عمومی متوقف به به وجود امر قضاء می‌باشد (کریمی، ۱۴۰۰: ۲۱).

۳- اصلاح جامعه

بدون شک یکی از مهم‌ترین اهداف قانون، اصلاح جامعه می‌باشد و اصلاح جامعه میسر نخواهد شد مگر با اصلاح فرد فرد اعضای جامعه، قاضی برای تعیین کیفر و اعمال مجازات، ناگزیر از اطاعت قانون است، یعنی قاضی فقط در چارچوب قانون می‌تواند حکم دهد. واضح است که استقلال قاضی مهم‌ترین تأثیر را در اصلاح جامعه دارد قاضی می‌تواند با استفاده از مجازات‌های بجا و هدفمند از سقوط هر چه بیشتر فرد و در نتیجه، طرد آن از جامعه صیانت به عمل آورد. هدف قانون اصلاح جامعه و پاک کردن جامعه از رذایل اخلاقی است (سوره ص/۲۶).

عوامل تأمین کننده استقلال قوه قضائیه

مهم‌ترین این عوامل به قرار زیر می‌باشد:

۱- عدم عزل قضات

اصولاً هر مقامی که شخص یا صاحب منصبی را انتخاب و به سمتی منصوب کند. حق عزل او را خواهد داشت و در دستگاه‌های که متصدعی امور دولتی و یا عمومی می‌باشند. عزل کارگزاران از لوازم نظارت و مدیریت به شمار می‌رود اما مسئله عزل و نصب قضات در قوه قضاییه با دیگر قوا تفاوت دارد. اصل غیر قابل عزل بودن قضات با همان هدف خدمت صحیح، اجرای عدالت و اصلاح جامعه و نظم و حسن جریان امور پدیدار می‌شود. مطابق این اصل، هیچ مقامی حتی مقام منصوب کننده مگر در موارد پیش بینی شده و طبق قانون، حق عزل قضات را ندارد و فقط بر طبق تشریفات خاص انتظامی، تقصیر یا تخلف مستوجب انفصال است که مرجع مربوطه حق انفصال او را خواهد داشت. دین مبین اسلام، مدت‌ها قبل از اینکه این اصل به صورت قاعده‌ی حقوق درآید، آن را به رسمیت شناخته است. در بین علمای اسلام در مورد عزل قاضی نظرات متفاوتی بیان گردیده است (علامه حلی، ۱۴۱۷ ه: ۱۵).

۲- عدم نقض رأی قاضی

حکم قاضی به منزله حکم قانون است و آن را جز در بعضی موارد استثنایی نمی‌توان نقض کرد در حقوق اسلام اصل و قاعده کلی، عدم امکان نقض حکم است مواردی که قضات می‌توانند احکام سابق را از بین ببرند عنوان استثنا و خلاف قاعده دارد. در فقه امامیه برای اثبات جایز نبودن حکم، بارها به نظم عمومی و از بین رفتن مصلحت مربوط به نصب حاکم استفاده شده است چنان که اختلال در نظم عمومی را می‌توان یکی از مهمترین مستندات این قاعده دانست. صدور رأی با انشاء و ایجاد آن را می‌توان اصلی‌ترین و مهمترین بخش از مراحل و مقاطعی دانست که در روند رسیدگی قضایی و جریان طبیعی یا متعارف آن معمول است (مهاجری، ۱۳۹۵: ۴۱).

۳- منع تغییر و انتقال قضات

این اصل بدان معناست که قاضی را نمی‌توان بدون تمایل و خواست وی از جایی به جای دیگر منتقل کرد و محل خدمت او را تغییر داد و یا شغل قضایی او را به اداری تبدیل کرد قاضی باید در صدور حکم و گرفتن تصمیم، مستقل و آزاد باشد و یکی از عواملی که ممکن است بر استقلال او تأثیر بگذارد تغییر سمت و یا انتقال او از محلی به محل دیگری است یکی از معایبی که ممکن است بر اثر تغییر و تبدیل قضات پیش آید کندی جریان دادرسی است. چه هنگامی که قاضی جدید از جریان کار مطلع نیست.

۴- عدم دخالت قضات در سیاست

شان قضا و ارزش آن مستلزم استقلال و بی‌طرفی کامل است و برای تأمین و حفاظت از این استقلال و بی‌طرفی باید تدابیری اتخاذ شود تا قضات از تأثیر محیط سیاست و دسته بندی‌ها و فعالیت‌های سیاسی به دور باشند. ضمانت اجرای حقوقی این قاعده ماده ۵۲ قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام منصوب ۱۳۳۱ می‌باشد که مقرر می‌دارد «به منظور بی‌طرفی کامل در انجام وظیفه و رعایت احترام و شئون قضایی، عضویت متصدیان مشاغل قضایی در احزاب ساسی و جمعیت‌های وابسته به آنها و هرگونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله سیاسی و حزبی ممنوع است تخلف از مفاد این ماده موجب تعقیب در دادگاه عالی انتظامی قضات و انفصال از خدمت قضایی خواهد بود» (محمدری شهری، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶۶-۶۷).

۵- مصونیت قاضی

به لحاظ اطمینان خاطر قاضی و اینکه مراجعین به قاضی نتوانند به بهانه‌های واهی و با شکایات بی اساس خود قاضی را به ارتکاب جرمی متهم کرده و او را از وظیفه‌اش باز دارند و قاضی بتواند با خاطری آسوده قضاوت نماید. این قاعده مقرر شده که قاضی در امور کیفری دارای مصونیت باشد. اصل مصونیت شغلی قاضی و محفوظ بودن او از تعقیب کیفری، از اصولی است که در قانون اساسی و قانون عادی ما پذیرفته شده است، البته این مصونیت به معنای رفع مسئولیت از عهده قاضی در ارتکاب جرم نیست بلکه امر موقتی است (اصل ۱۶۴ قانون اساسی).

استقلال قوه قضائیه در نظام حقوقی ایران

اصل استقلال قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی با اشاره به عنصر استقلال قوه قضائیه، بیان می‌دارد: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت... است». در ماده ۶ سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹ رییس قوه قضائیه به موضوع استقلال قضایی اشاره شده است. این مصوبه نیز همانند ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی استقلال نهادی قوه قضائیه را از استقلال فردی قضات به صورت مجزا ترسیم کرده است. حسب بند الف این ماده «استقلال قضایی پیش شرط تحقق امنیت قضایی و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه تعریف شده است (میرزاده کوهشاهی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۵۱).

صیانت از استقلال قوه قضائیه در قانون اساسی ایران

موضوع صیانت از اصل استقلال قضایی ریشه در تاریخ حقوق ایران ندارد؛ لکن از زمان نهضت مشروطه با اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی مورد توجه قانونگذار ایرانی قرار گرفته است. در مورد استقلال ساختاری قوه قضائیه قانون اساسی مشروطه با پذیرش اصل تفکیک قوا و اعطای قدرت قضایی به محاکم عدلیه در پی صیانت از استقلال ساختاری قوه قضائیه بود اما عملاً وزیر دادگستری به عنوان مقامی، سیاسی، مدیریت قوه قضائیه را بر عهده داشت که در منافات با استقلال قضایی محسوب می‌شد.

۱- استقلال ساختاری قوه قضائیه ایران

بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکایت از دغدغه قانونگذار ایرانی در خصوص استقلال ساختاری قوه قضائیه دارد. قانونگذار، اساسی، نگاهی ویژه به استقلال ساختاری قوه قضائیه داشته و استقلال دستگاه قضایی را در حد اعلای آن مورد تضمین قرار داده است به جرأت می‌توان مدعی بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله قوانین اساسی پیشرو در زمینه استقلال ساختاری قوه قضائیه است (هاشمی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۴۳).

نیست. قوه مجریه و مقننه مطابق اصل تفکیک قوا نه تنها از دخالت در امر قضایی منع شده‌اند، بلکه فاقد ابزارهای مؤثر نظارت بر قوه قضائیه هستند (هاشمی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۳۵۸).

۲- سازو کارهای تضمین استقلال فردی قاضی در ایران

بررسی وضعیت سازوکارهای تضمین استقلال فردی قضات در ایران بیانگر آن است که این سازوکارها به نحو دقیق و شایسته مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و این در حالی است که این سازوکارها نقش مهمتری در تضمین استقلال قضایی دارند.

۲-۱- مصونیت شغلی قاضی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی متن پیش نویس قانون اساسی که محصول مشارکت اندیشمندان زمان خود بود با درک درست از جایگاه قاضی مستقل در صدد تضمین مصونیت شغلی قضات برآمد. اصل ۱۶۴ دو تضمین مهم را برای شغل قضات به تبعیت از کشور فرانسه به وجود آورده است، اولین تضمین، غیر قابل عزل بودن قضات است (مجموعه قوانین، ۱۳۷۹: ۱۹۰).

۲-۲- مصونیت مدنی قاضی

در ایران همانند بسیاری از کشورهای دارای حقوق، نوشته، قضات دارای مصونیت مدنی مطلق نیستند و در برابر افعال تقصیر آمیز خویش در رسیدگی قضایی به دعاوی که منجر به خسارت اصحاب دعوا شوند مسؤولند. اصل ۱۷۱ قانون اساسی مصونیت مشروط را برای قاضی در نظر گرفته است (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۴۴).

۲-۳- روش انتخاب قاضی در ایران و تأثیر آن بر استقلال قضایی

در خصوص شیوه انتخاب قاضی از نظام شغلی پیروی کرده است. در این شیوه قضات همانند سایر کارمندان بخش عمومی از طریق امتحان علمی از بین فارغ التحصیلان رشته حقوق انتخاب می‌شوند؛ در صورتی که پیروی از روش انتخاب قاضی کشورهای دارای نظام حقوق عرفی می‌توانست قضات شایسته‌تر و مستقل‌تری را وارد دستگاه قضایی کند. انتصاب قضات توسط یک مقام سیاسی می‌تواند جانبداری و طرفداری سیاسی را موجب شود و بی‌طرفی در انتخاب قاضی را تنزل دهد.

۲-۴- نظارت بر رفتار حرفه‌ای قاضی

در خصوص رفتار حرفه‌ای قضات مطابق اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قضات از انجام مشاغل اداری و سیاسی مذکور در این اصل منع شده‌اند.

۲-۵- امنیت مالی قاضی

در نظام حقوقی ایران برخلاف کشورهای همچون ایالات متحده آمریکا و انگلیس مقرره‌ای قانونی که از قضات حمایت مالی به عمل آورده باشد وجود ندارد. بودجه ریزی قوه قضاییه توسط قوه مجریه از چالشهای دیگر نظام حقوقی ایران در تضمین امنیت مالی دادرسان محاکم است.

انواع استقلال قوه قضاییه

در این قسمت به بحث استقلال قوه قضاییه نسبت به دیگر قوا پرداخته می‌شود.

۱- استقلال در برابر قوه مقننه

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تفکیک قوا به نوعی تجلی یافته و قوای حاکم مجریه، مقننه و قضائیه مستقل از یکدیگرند. گرچه استقلال قوه قضائیه از ویژگی خاصی برخوردار است و قوای دیگر از جمله قوه مقننه بر روی آن نفوذ

و اقتدار چندانی ندارد و هیچ گونه راهی برای سؤال، استیضاح و عزل مسئولین قوه قضائیه مشاهده نمی‌شود، با وجود این، بعضی از اختیارات و وظایف قوهی مقننه می‌تواند بر روی قوه قضائیه تأثیر گذار باشد و بر یک نوع اقتدار نسبی دلالت داشته باشد پاسخگوی دستگاه قضایی در برابر مجلس براساس اصول ۷۶ و ۹۰ قانون اساسی در زمینه مسئولیت پشتیبانی و احقاق حقوق جامعه و پاسداری و گسترش امنیت و آزادی‌های مشروع می‌تواند یکی از مظاهر چنین اقتداری تلقی شود با هدف ماندگاری و اقتدار نظام مردم سالاری دینی، قوه قضائیه باید در راستای تعیین، استحکام و نهادینه کردن عدالت قضایی در برابر مجلس و مردم پاسخگو باشد.

۲- استقلال قضا در برابر مسئولان قوه قضائیه

بیشترین تهدید برای عملکرد قضا و نقص استقلال آنان، خود مقامات و مسئولان قوه قضائیه هستند مسئولان این قوه می‌توانند بر عملکرد دادگاه‌ها نظارت اداری داشته باشند. ترتیب نظارت اداری، قضایی را قانون تعیین می‌کند. مسئولان و مقامات قوه قضائیه باید از هر گونه سفارش پیش داور و اظهار نظر خودداری می‌کنند. برابر اصل ۵۷ قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند (هاشمی زاده هریسی، ۱۳۹۱: ۱۴).

۳- استقلال در برابر سایر مقامات

با توجه به اصل استقلال و ماده ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظر به تفکیک قوا رعایت این اصل موجب تثبیت حاکمیت مردم و جلوگیری از استبداد می‌گردد. با توجه به این اصل در واقع توزیع قدرت بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه که مورد قبول اجماع حقوقدانان واقع شده است. از اصل تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «استقلال قوا» یاد شده است. این قانون در فصل پنجم خود تحت عنوان «حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن» پس از تأکید اصل پنجاه و ششم بر این که «حق حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است، هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاصی قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعدی می‌آید اعمال می‌کند» (خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۷۲).

۳-۱- استقلال روحی و روانی

در قضاوت، قاضی باید از استقلال روحی و روانی والایی برخوردار باشد و دانست مقتضای عدالت این است که اولاً یک قاضی باید استقلال روحی و روانی داشته باشد تا وظایفی که به وی محول شده توانایی تحمل انجام قضاوت را داشته و بر نفس خود تسلط داشته و بصورت مستقل عمل نماید. و تابع احساسات خود نباشد. به همین دلیل است که زن نمی‌تواند در جایگاه قضاوت قرار گیرد چون در اصل خلقت زنان طبیعت و حالات روحی و جسمی متفاوت با مردان می‌باشد (خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۵۶).

۳-۲- استقلال قضا در برابر سایر مقامات

از دیدگاه عملی پس از تحقیق میدانی از قضات بعمل آمده برخی از موارد هستند که استقلال یک قاضی را از بین می‌برند. رسیدگی به پرونده‌هایی از قبیل پرونده‌های امنیتی وقتی که یک موضوع طرح و یا در حال تحقیق و رسیدگی می‌باشد باید روند رسیدگی طی شود و این روند نیاز به فرصت کافی می‌باشد در این دولت‌ها، رسانه‌ها، که عناوین مختلفی از قبیل رسانه‌های تصویری، رسانه‌های شنیداری و روزنامه‌ها به طریقی با اطلاع‌رسانی غلط موجب شده تا در روند رسیدگی دخالت داشته و این با اصل استقلال قضایی مغایرت داشته، همچنین در خصوص پرونده‌های جرائم همراه با خشونت وقتی جرمی صورت می‌گیرد باید پرونده روند رسیدگی را طی نماید و گاهی اوقات یک پرونده به یکسال طول می‌کشد تا تحقیقات جامع و کامل صورت گیرد اما از طریق مقامات قضایی مثلاً رئیس کل، وقتی بالاتر یا از طریق مسئولین، قاضی تحت فشار روحی و روانی قرار می‌گیرد و موجب می‌شود که سرعت رسیدگی بالا رفته و هرچه سرعت رسیدگی بالا برود کیفیت رسیدگی پایین می‌رود استقلال قاضی از بین می‌رود (کریمی، ۱۴۰۰: ۶۹).

۴- پاسخگویی قوه قضاییه و استقلال آن

در این قسمت نخست به ابعاد پاسخگویی قوه قضاییه اشاره می‌شود، سپس سازوکارهای این مهم بیان می‌گردد.

۴-۱- ابعاد پاسخگویی دستگاه قضایی

با توجه به اینکه الگوی غالب مدیریت دادگستری در نظامهای حقوقی فعلی، مدل مجریه‌ای است که بر اساس آن، وزارت دادگستری مسئولیت اداره امور اداری، استخدامی و مالی و به طور کلی، پشتیبانی دادگستری را برعهده دارد، پاسخگویی در این گونه نظامها همانند پاسخگویی سایر وزارتخانه‌ها بوده و وزیر دادگستری حسب مورد در برابر رئیس قوه مجریه و یا پارلمان مسئولیت ارائه خدمات و تمهید منابع انسانی و بودجه‌ای لازم را عهده‌دار است و بر همین مبنا پاسخگویی تصمیمات و اقدامات خود است. از جمله مهمترین ابعاد پاسخگویی دستگاه قضایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- الزام قانونی به انتشار و ارائه گزارش‌های سالانه

۲- نظارت بر فعالیت دادگاهها از طریق دادآور قضایی

۳- سازوکارهای حسابرسی مالی از نحوه هزینه‌کرد بودجه عمومی در دستگاه قضایی

۴- ارزیابی منظم عملکرد نظام قضایی

۴-۲- سازوکارهای پاسخگویی قوه قضاییه

نظارت مالی بر قانونی بودن هزینه کرد اعتبارات عمومی توسط دستگاههای دولتی، علت اصلی ایجاد دیوان محاسبات کشور بوده است. این دیوان، همانطور که در اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی به آن تصریح شده، به کلیه حساب‌های دستگاه‌هایی که به نحوی از انحا از بودجه عمومی کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی و حسابرسی می‌کند که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. قوه قضاییه به عنوان یکی از دستگاههای دولتی استفاده کننده از بودجه عمومی مشمول نظارت مالی دیوان محاسبات کشور است و تفاوتی میان این قوه و سایر دستگاهها از این نظر وجود ندارد.

اصل نود قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند» (رجبی، ۱۳۸۹: ۸۴).

اصل هفتادوششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». این امر در متمم قانون اساسی مشروطه، مسبوق به سابقه است. اصل سی و سوم متمم قانون اساسی مشروطه در این زمینه بیان داشته بود: «هریک از مجلسین مجلس شورای ملی و مجلس سنا حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی را دارند». بنا به اطلاق اصل هشتادوششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امکان تحقیق و تفحص در خصوص امور مربوط به قوه قضائیه نیز وجود دارد.

این سازمان براساس اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی با مأموریت نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری تشکیل شده است. با توجه به اینکه بخشی از دستگاههای اداری کشور در داخل قوه قضائیه مستقر هستند، تبعاً ستاد قوه و سازمانهای تابعه قوه قضائیه مشمول نظارت این سازمان قرار می‌گیرند.

برخی از قوانین و مقررات حسب مورد قوه قضائیه را مکلف به انجام برخی اقدامات و اعلام گزارش این اقدامات به نهادهای مربوط کرده است. در این زمینه «مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام» - مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۱ - قابل ذکر به نظر می‌رسد. براساس ماده (۳) مقررات مزبور، بالاترین مقام مسئول در قوای سه‌گانه، مسئول اجرای سیاست‌های کلی نظام در دستگاه‌های مربوط است. مقامات مزبور مکلفند گزارش‌های ادواری شامل گزارش‌های سالیانه و پنج‌ساله خود را از نحوه اجرای سیاست‌های کلی و میزان تحقق آنها بر اساس شاخص‌ها و نماگرها تهیه و به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کنند (ماده ۵ مقررات یادشده).

استقلال قوه قضائیه در نظام حقوقی عراق

۱- توجیهات استقلال قوه قضائیه در عراق

دکترین حقوقی استقلال قضایی را از چند جهت توجیه می‌کند که سنتی هستند و برخی به واقعیت‌های سیاسی مرتبط هستند. توجیهات اقتصادی، اجتماعی توجیه سنتی فراهم می‌کند که استقلال حضور یا عدم حضور قوه قضائیه با این ایده مرتبط است. بنابراین وجود استقلال قضایی موجب عدالت می‌شود که برای حمایت از حقوق افراد و آنها ضروری است. فقدان استقلال قضایی، آزادی‌ها را متزلزل می‌کند و آشفته و گاه ناموجود که منعکس خواهد شد و بر آزادی افراد تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا اعتماد آنها به قوه قضائیه را تضعیف می‌کند بنابراین مردم به دنبال راه‌های دیگری برای به دست آوردن آنها خواهند بود، بنابراین استقلال قوه قضائیه وسیله‌ای برای تحقق عدالت است (آدام، ۲۰۱۴: ۳).

۱-۱- ادله سیاسی استقلال قوه قضائیه در عراق

استقلال قوه قضائیه شرایط خاصی را که برخی کشورها را احاطه کرده است و دیکته می‌کند، به ویژه آنهایی که برای چندین دهه تحت کنترل بودند. رژیم‌های توتالیتر و ارتش زمانی که این رژیم‌ها فروپاشیدند و کشورهای خود را به حکومت دموکراسی تبدیل کردند، قوه قضائیه باید به طور ریشه‌ای دگرگون شود و به طور ریشه‌ای از آن خارج شود. گسترش قدرت اجرایی یا نخبگان یا ارتش باید تحت کنترل نهادهای مستقل منصفانه باشد. بنابراین برای ارتقای دیدگاه حقوق شهروندان نسبت به نظام سیاسی، استقلال قوه قضائیه یک امر ضروری است.

۱-۲- ادله اقتصادی استقلال قوه قضائیه

توجیه اقتصادی برای استقلال قوه قضائیه این است که قوه قضائیه مستقل نقش فعالی در جوامع دموکراتیک دارد که بر اساس مکانیسم‌های بازار با ایجاد توازن قوا در داخل دولت از حقوق افراد حمایت می‌کند و امنیت و دارایی آنها را از طریق قضاوت در مورد آن حفظ می‌کند. استقلال قوه قضائیه ثبات اقتصادی را توجیه می‌شود، زیرا به نقش اجتماعی و فعال در ایجاد کمک می‌کند و پایه‌های صلح اجتماعی - اقتصادی در کشور از جمله آن را فراهم می‌کند (محمدحامد، ۲۰۱۶: ۵-۶).

۲- هدف از استقلال قوه قضائیه در عراق

تجربه در طول تاریخ نشان داده است که تحقق عدالت در یک دستگاه قضایی غیرمستقل غیرممکن است، زیرا تحقق حق و اجرای عدالت بدون آن ممکن نیست. استقلال قوه قضائیه حتی با تصور او، تردیدهایی در مورد بی طرفی قوه قضائیه باقی می‌ماند که او را به یک طرف بر طرف دیگر متمایل می‌کند، بنابراین عدالت منکر می‌شود. لذا این اصل دارای حکمت و توجیهاتی است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۱-۲- استقلال مقام قضایی

شاید حکمت اصلی استقلال قوه قضائیه وجود قوه قضائیه عادلانه باشد، در حالی که حکمت دوم آن تحقق عدالت است، عدالت بدون وجود قوه قضائیه عادل محقق نمی‌شود و قوه قضائیه عادل بدون وجود قوه قضائیه قابل تصور نیست (حسان محمد، ۲۰۱۵: ۳۰).

۲-۲- بی طرفی قوه قضائیه

بی طرفی قوه قضائیه یک وظیفه بدیهی است، زیرا عقل قضاوت می‌کند که اگر قوه قضائیه بی طرف نباشد نمی‌تواند عادلانه قضاوت کند، تا جایی که در میراث عرب آمده است که این وضعیت را تقبیح می‌کند و آن را امری زشت می‌داند. که قول المتنبی است: شما دعوا دارید و شما مخالف و قاضی هستید) یعنی صلاح نیست که مخالف در عین حال داور باشد و اگر قضاوت بی طرف نباشد. سوگیری نسبت به یکی از طرفین دعوا به ویژه اگر در مسائل مربوط به قوه مجریه یا مقننه یا بین آنها و افراد باشد. قوه قضائیه باید آزاد باشد و این همان چیزی است که فیلسوفان حقوق اعلام کردند، اما آزادی قوه قضائیه مطلق نیست.

۳- مظاهر اصل استقلال قوه قضائیه اسناد قانون اساسی عراق

در کشورهای قانونی به دنبال تدوین حقوق اساسی فردی و اصول استواری بود که قابل خدشه نیست: در رأس آنها. اصل تساوی در برابر قانون و حق محاکمه عادلانه و علنی در برابر دادگاه صالح، مستقل و بیطرف که مطابق قانون تشکیل شده

است. متهم تا زمانی که جرمش در یک محاکمه عادلانه قانونی ثابت نشود بی گناه است و متهم پس از آزادی مجدد به همان اتهام محاکمه نمی‌شود مگر اینکه شواهد جدیدی پیدا شود هرکس حق دارد در رویه‌های قضایی و اداری با او عادلانه رفتار شود. جلسات دادگاه علنی مگر اینکه دادگاه تصمیم بگیرد که آنها را مخفی نگه دارد (یاسین صمد امین، ۲۰۱۰: ۷۳).

۴- سازماندهی قوه قضائیه در قانون اساسی عراق و تأثیر آن بر استقلال

قوانین اساسی عموماً به دنبال ارائه تضمین‌های کافی برای مقام قضایی برای کمک به آن در انجام مأموریت اصلی خود، یعنی تحقق عدالت و حفظ حقوق اولیه است و آزادی‌های افراد با رعایت اصل تفکیک قوا به گونه‌ای که هیچ یک از مراجع در کار قوه قضائیه دخالت نکند. قوه قضائیه از آنجایی که مجلس مرجع قانونگذاری است باید به مقام قضایی احترام بگذارد و دخالتی در امور قضایی نداشته باشد. قانون اساسی عراق، عموماً در صدد است تا با رعایت اصل تفکیک قوا، ضمانت‌های کافی برای مقام قضایی برای کمک به آن در انجام مأموریت اساسی خود که تحقق عدالت و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد است، فراهم کند تا هیچ مرجعی از سوی مقامات نباشد. (سالم روضان، ۲۰۰۹: ۱۱).

قانونگذار عراق از طریق متون قانون اساسی اصل تفکیک قوا منعطف پیروی می‌کند، زیرا رابطه بین مقامات را بر اساس همکاری بین آنها، تعادل و کنترل متقابل و در این زمینه برقرار می‌کند. ماده ۶۱ و ماده ۹۲، نشان می‌دهند که مجلس نمایندگان قوانینی را وضع می‌کند که انتخاب اعضای دیوان عالی فدرال، نحوه انتخاب و تعداد آنها را تنظیم می‌کند و این قانونگذار در کار دخالت مثبت داشته است.

۵- سازماندهی قوه قضائیه در قوانین جاری عراق

همانطور که قبلاً توضیح دادیم که قانونگذار عادی تنظیم کننده قوانین دیوان عالی فدرال است و صلاحیت وی در محدوده قانون اساسی محدود می‌شود. چارچوب اصول مندرج در قانون اساسی استقلال قوه قضائیه بر اساس قانون اساسی، بنابراین قانون اساسی مشمول چیزی غیر از قانون (قانون اساسی) نمی‌باشد. استقلال و بی طرفی قوه قضائیه ماده ۳۰ قانون اصلاحی دیوان عالی فدرال سال ۲۰۰۵ مقرر می‌دارد: «دادگاهی به نام دادگاه عالی فدرال تأسیس می‌شود و مقر آن در بغداد خواهد بود، بر اساس استقلال و شرط اینکه هیچ قدرتی بر آن جز قانون نیست.

نتیجه گیری

اصل استقلال قضایی از مهمترین اصول حقوقی راجع به قضاوت است که می‌توان با اندکی دقت به معنا و مبنای آن پی برد. استقلال و بی طرفی قوه قضائیه در تضمین عادلانه بودن دادرسی به عنوان یک حق بنیادین بشری مؤثر است و اجرای آن در محاکم داخلی، منطقه‌ای و بین المللی ضروری است. اگرچه این دو اصل عموماً همراه یکدیگر به کار می‌روند، اما مبین مفاهیم متفاوتی می‌باشند. بی طرفی مفهومی عام‌تر از استقلال دارد و استقلال یکی از لوازم اعمال بی طرفی است، اما این لزوماً بدان معنی نیست که دادگاهی که مستقل است حتماً بیطرف هم هست و استقلال اگرچه

لازم است اما برای اعمال بی طرفی، کافی نیست. این اصل علاوه بر اینکه تأمین کننده دو هدف عمده نظم و عدالت در حقوق است به طور خاص سه فایده مهم دیگر را نیز در پی دارد حفظ جامعه، تأمین حقوق دادگستری و تضمین حقوق فردی امر مهم استقلال قاضی با امر خطیر مسئولیت او نیز متداخل و گاهی متعارض است؛ لذا باید در پی چاره‌ای بود تا حدود هر دو را شناخت و این ممکن نیست مگر با مطالعه تفصیلی تک تک مصادیق استقلال قاضی، مثل امنیت شغلی، مصونیت از تعقیب و ...

پس می‌توان گفت، اصل استقلال و بی طرفی در دادرسی یکی از اصول مهم تضمین حق بر دادرسی عادلانه و از مسائل بنیادین حقوق عمومی می‌باشد زیرا که اعتماد عمومی به حکومت و تحقق حکومت قانون وابسته به استقلال قضایی است. برای تحقق این استقلال لازم است که ساختار مستقلی برای قوه قضاییه و سازوکارهایی برای تضمین استقلال فردی قضاوت وجود داشته باشد و از این حیث استقلال قضایی واجد دو جنبه استقلال ساختاری نهاد قضایی و استقلال فردی قضاوت می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی به عنصر استقلال قوه قضاییه اشاره کرده است و در سایر قوانین عادی و رویه‌های داخلی شاهد بازتاب این اصل هستیم. اصل استقلال قضایی در آیه ۱۳۵ سوره نساء متجلی شده است که با نظر به شان نزول و تفسیر آیه می‌توان حق بر دادرسی عادلانه و استقلال قضاوت را دریافت کرد همچنین در سیره پیامبر و امامان می‌بینیم که در بحث قضاوت سختگیرانه عمل کرده‌اند و قضاوت فقط باید براساس عدالت و با رعایت بی طرفی نسبت به دو طرف صورت پذیرد و هر عامل بیرونی و درونی که منجر به تأثیر بر روند دادرسی شود را شدیداً نهی می‌کنند. در بسیاری از اسناد بین المللی هم این اصل رایج می‌باشد و تقریباً می‌توان گفت که این اصل در تمام نظام‌های حقوقی و چه در حوزه داخلی و چه در عرصه بین المللی اصلی پذیرفته شده الزام آور است. اما با این حال مشاهده می‌شود که با وجود رواج بسیار این اصل در تمام قوانین و اسناد به آن اما در زمینه عمل و انجام استقلال قضایی و ضمانت اجرای آن کوتاهی‌های بسیاری وجود دارد که نیازمند سیاست گذاری دقیق و

اجرایی می‌باشد پیشنهاد می‌شود که برای کمک به وضع موجود و پیشرفت در در زمینه استقلال قضایی بررسی‌هایی در زمینه آسیب شناسی دادگاهها دادرسی‌ها و عوامل مؤثر کمک کننده به آنها صورت پذیرد.

بررسی نظام حقوقی ایران در خصوص استقلال قضایی نشان می‌دهد. این موضوع از زمان نهضت مشروطه کم و بیش مورد اشاره و توجه قرار گرفته است؛ لکن به دلیل عدم احاطه کافی به مبانی نظری استقلال، قضایی‌آشنایی سیاستمداران و حقوقدانان ما به این مفهوم شناختی عمیق نبوده است با پیروزی انقلاب اسلامی نیز موضوع استقلال قضایی مورد عنایت ویژه قانونگذار اساسی قرار گرفت اما پس از تصویب قانون اساسی موضوع استقلال قضایی در اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و قانونگذاری عادی به سرنوشت ناخوشایند دوران مشروطه دچار شده است. از بعد استقلال ساختاری قوه قضائیه نظام حقوقی ایران تضمینات قوی را پیش بینی کرده و راه را بر هرگونه اعمال نفوذ قوه مقننه و مجریه بسته است اما برداشت ناصحیح از اصل تفکیک قوا نظارت ناپذیری قوه قضائیه و وضعیت متزلزل استقلال درون سازمانی از چالشهای نظام حقوقی ایران است.

در نظام حقوقی عراق، منظور از استقلال قوه قضائیه قانون اساسی عدم مداخله هیچ یک از مراجع یا هر یک از طرفین در تصمیمات دیوان عالی فدرال است و تصمیمات آن قطعی بوده و قابل تجدید نظر از طرف هیچ یک از طرفین نمی‌باشد. آن‌ها برای همه مقامات الزام آور هستند، بنابراین هیچ مقامی نمی‌تواند اجرای تصمیمات دادگاه عالی فدرال را نادیده بگیرد. در مورد استقلال شخصی دیوان عالی فدرال، آن چیزی است که در ماده ۹۴ قانون اساسی سال ۲۰۰۵ لازم الاجراست، که استقلال مالی و اداری است، لذا خود به خود اداره می‌شود، لذا رئیس دادگاه بر عهده دادگاه است. مسئول اداری دادگاه و کارمندان آن است و حق دارد به یکی از اعضای دادگاه با مقداری اختیارات اختیار دهد و بودجه مستقلی نیز دارد. استقلال دادگاه مطابق اصل تفکیک باشد. اختیارات در مفهوم انعطاف پذیر آن به این معناست که بین کار دیوان عالی فدرال و مقامات اجرایی و مقننه همکاری و همپوشانی وجود دارد و این همکاری و همپوشانی بر اساس مقررات قانون اساسی حاکم است. مفاد قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ در ایجاد استقلال دادگاه عالی فدرال مطابق با مفهوم شخصی استقلال و همچنین مفهوم عینی آن موفق بود. اهمیت قوه قضائیه در قانون اساسی ناشی از

محور عدالت و تضمین آزادی‌ها است و این اهمیت با موضوع تعالی قانون اساسی و متعاقب آن حفظ حقوق و آزادی‌ها و نظارت بر آن نیز مرتبط است. قانون اساسی بودن قوانین و همچنین وجود یک کشور قانونی که در آن همه تابع قانون اساسی هستند. ضمانت‌های استقلال قوه قضائیه در قانون اساسی، اعمال اصل استقلال قوه قضائیه علاوه بر ممنوعیت قضات است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آیدان، مجید و صابر، محمد (۲۰۱۹). نقش دیوان عالی فدرال در حفظ استقلال قوه قضائیه «موسنال». مجله دانشکده حقوق علوم حقوقی و سیاسی. شماره ۳۰.

هاشم زاده هریسی، هاشم (۱۳۹۸) اسلام و قانون اساسی، مثل العلیافی القضاة الاسلامی، اینترنت به نشانی

erisi.blogfa.com/tag

ابن فارس (۱۴۱۴هـ)، معجم المقایس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دارالجلیل، بیروت.

الاسدی، حسد و چیداعباس، مرتضی (۲۰۲۰). اصل اساسی استقلال در قوه قضائیه. مجله علوم حقوقی و سیاسی کوفه. شماره ۱.

افشون، ایرج (۱۳۹۵). کالبدشکافی ساخت سیاسی قدرت در عراق. راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۵.

امیری، محسن و ویژه محمدرضا (۱۳۹۳). اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه پژوهشهای حقوق تطبیقی، شماره ۳.

پروین خیر الله (۱۳۹۵). حقوق بشر از نظر تا عمل چاپ اول تهران، انتشارات میزان.

توسلی نائینی. منوچهر (۱۳۸۵). مصونیت‌های شغلی در حقوق ایران. نشریه حقوق اساسی، شماره ۶-۷.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.

جلالی، محمود و زیلابی، سلمان (۱۳۹۳). اصل استقلال قضایی در دیوان بین المللی کیفری پژوهشهای حقوق تطبیقی، شماره ۲

حبیب زاده، توکل و خلف رضایی، حسین (۱۳۹۱)، حدود صلاحیت قوای مقننه و مجریه در تصویب قراردادهای بین المللی،

فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، شماره ۱.

حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۹۳). آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران مجله علوم اجتماعی و انسانی، شماره ۲.

حسان محمد شفیق العانی (۲۰۱۵). الأنظمة السياسية والدستورية المقارنة، مطبعة جامعة بغداد، بغداد.

خمینی، روح الله (۱۳۷۴). تحریر الوسيله، قم: دارالمکتب العلمیه.

خندانی، وحید و عامری نیا، محمدباقر (۱۳۹۷). استقلال قضایی در حقوق ایران و انگلیس. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱.

دهقانی، رمضان (۱۳۹۸)، تاثیر انصاف در حقوق خصوصی، تهران، انتشارات فکر سازان.

دهقانی، علی (۱۳۸۸). استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون گذاری. نشریه پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۵.

راجی، سید محمد هادی (۱۳۹۰)، «نگاهی به ابعاد حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. پیرامون جایگاه و حوزه صلاحیت قوه

قضائیه اول: جایگاه و نقش وزارت گزارش دادگستری پژوهشی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، شماره

مسلسل ۲۰۳۳.

راغب اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۴هـ)، مفردات فی الغریب القرآن، قم، دفتر نشر الکتاب.

ربانی، محمد (۱۴۰۰). اصل حاکمیت قانون در قلمرو تحقیقات مقدماتی و دادرسی کیفری ایران و کنوانسیون و رویه دادگاه اروپایی

حقوق بشر. رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد شیراز.

روستایی حسین آبادی یاسر و علی نژاد، احمد (۱۳۹۵). استقلال قضایی پیش شرط دادرسی عادلانه، مطالعات حقوق بشر اسلامی

شماره ۱۱.

الزبیدی، محمد مرتضی (۱۴۰۹هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، المطبعة الخيرية، مصر.

الزینی، بوشرا (۲۰۲۰). عملکرد نظام سیاسی عراق در پرتو رابطه قوای مقننه و مجریه بر اساس قانون اساسی (۲۰۰۵). مجله علوم

سیاسی عراق. شماره ۱.

سالم روضان الموسوی (۲۰۰۹)، دراسات فی القانون، مبدأ استقلال القضاء فی التشريعات العراقية، مؤسسه البيئه للثقافة والاعلام.

سلیم نعیم خضیر الخفاجی و غانده محی عبدالحسین (۲۰۲۰). نقض اختیارات اجرایی در استقلال قوه قضائیه قانون اساسی) مطالعه تطبیقی. مجله مطالعات بصره، شماره ۳۸.

شهید ثانی (۱۴۱۳)، اللمعه الدمشقیه، ترجمه اسدالله لطفی، تهران، انتشارات مجد.

صالحی مازندرانی محمد (۱۳۸۴). تأملی بر مسؤولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی. مجله فقه و حقوق شماره ۷

صانعی، پرویز. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ه)، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، قم.

طباطبائی مومنی، منوچهر (۱۳۹۵)، حقوق اساسی، نشر میزان، تهران.

طوسی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۱۷ه)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عزتی، عرت الله و نانوا، سهیلا (۱۳۹۰). بررسی تغییر ساختار سیاسی عراق از متمرکز به فدرالیسم و اثرات آن بر امنیت ملی ایران.

نشریه جغرافیایی سرزمین، دوره ۸، شماره ۲۴.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ه)، قواعد الاحکام، قم، موسسه نشر اسلامی.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)، مبانی حقوق اساسی، انتشارات مجد، تهران.

فضائی، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران.

فیروز آبادی، مجدالدین (۱۴۲۰)، قاموس المحيط، دارالمعرفه، بیروت.

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، بایسته های حقوق اساسی، انتشارات میزان، تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹)، مبانی حقوق عمومی، نشر میزان، تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱)، قواعد عمومی قراردادها، نشر میزان، تهران.

کاشف الغطاء، علی (۱۴۱۵)، النور الساطع فی الفقه النافع، نرم افزار فقه اهل بیت.

کریمی، مهدی (۱۴۰۰). نحوه پذیرش و استخدام قضات و تأثیر آن بر امنیت قضایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد شهرکرد.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵هـ)، فروع کافی، دارالتعارف، دارالصعب، بیروت.
- محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵)، میزان الحکمه، دارالحديث، قم.
- مرادی، فهیمه و قیوم زاده، محمود (۱۳۹۸). مطالعه نقش استقلال قوه قضائیه در جرم زدایی از قوانین. نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۱۰هـ)، فصول الشرعیه علی مذهب الامامیه، بی چا، بیروت.
- مقیسه، مریم (۱۳۸۷). نگاهی به تشکیلات قوه قضائیه، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۸۲.
- منتسکیو، شارل (۱۳۹۵)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- موسوی، حجت الله (۱۳۹۶). بررسی رابطه قوای مجریه و مقننه در قانون اساسی عراق. چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی.
- مهاجری، علی (۱۳۹۵) شرح قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، فیض، قم.
- میرزاده کوهشاهی، نادر و قاضی زاده، حسین (۱۳۹۹). تحلیل انتقادی عملکرد نظام حقوقی ایران در زمینه مفهوم استقلال قضایی.
- مطالعات حقوق بشر، شماره ۱۹.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۸هـ)، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام. دارالحیا التراث العربی، بیروت.
- هاشمی، محمد (۱۴۰۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، نشر میزان، تهران.
- هشام جلیل ابراهیم الزبیدی (۲۰۱۱)، مبدأ الفصل بین السلطات وعلاقته باستقلال القضاء فی العراق دراسة مقارنة، رسالة ماجستير کلیة الحقوق، جامعة النهرین.
- یاوری، اسدالله و تنگستانی، محمد قاسم (۱۳۹۵). نظام پاسخگویی قوه قضائیه و نسبت آن با استقلال این قوه. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۵.
- یاسین محمد امین (۲۰۱۰). استقلال السلطة القضائية بین النظرية والتطبيق، رسالة ماجستير کلیة القانون والسیاسة جامعة صلاح الدین، اربیل.

Adam Dodok and Lorne Sossin(2014). Judicial independence in context. Law School, Valparaiso, IN. May 20,

Collin, Peter, (2014), Dictionary of Law, Fourth Edition, Bloomsbury Publishing.

Mohammed Hammad Abed(2016). Importance of Judicial Independence. College of Law and Political Sciences\ department of Law. Al Anbar University. Vol1. No2.

The independence of the judiciary in the legal system of Iraq and Iran

vatan Sadiq Mohammad Mohammad¹

Abstract

The purpose of this article is to investigate the legitimacy of power and its effect on the observance of citizen's rights. The legitimacy of political power is one of the main concerns of governments. In the legal system of the Islamic Republic of Iran, the issue of the legitimacy of power is one of the basic necessities of the country's legal system. Therefore, special attention has been paid to this issue. The main question of the research is that, in the system of the Islamic Republic of Iran, how is the legitimacy of power carried out and what effect does this legitimacy have on the observance of citizen's rights? The main hypothesis of the article is that, in order to legitimize the power, various components must be assembled to witness the legitimacy of the power, which will guarantee and respect the rights of citizens. The results of the research show that, by strengthening the components of political legitimacy and in order to maintain the stability and durability of the political system, in addition to the foundations of legitimacy related to the time of its establishment, its stabilizing and continuing factors should also be taken into consideration in order to strengthen the legitimacy of the power of the political system. , obtained more accurate criteria to evaluate its performance. But in order to know the legitimacy of political power, some elements must be strengthened in order to witness the legitimacy, which will ultimately lead to the observance and guarantee of citizen's rights. The method of the current research is descriptive-analytical, which has been used to collect information through the study of documentary and library sources.

Keywords: political power, legitimacy of power, citizenship rights, sovereignty, constitution.

¹ Master's degree in Public Law, Faculty of Law and Political Science, Department of Public Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Iran